

مجالس رمضانی

۱۶

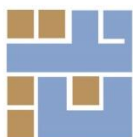
مجلس شانزدهم

پیرامون زکات



علامه محمد بن صالح العثیمین رحمہ اللہ

ترجمہ: مسعود ابراہیمی



مرکز مطالعات متین

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مجلس شانزدهم: پیرامون زکات

ستایش برای خداوندی است که لغزش‌ها را پاک کرده و می‌بخشد و خطاها را می‌پوشاند و از آن در می‌گذرد. هر کس به او پناه آورد، رستگار شده و کسی که با او معامله کند، سود می‌برد. آسمان را بدون ستون برافراشت، پس تأمل کن و بنگر. باران را فرو فرستاد، آنگاه گیاهان سیراب می‌شوند و چهارپایان پس از خشکسالی در چراگاه‌های سرسبز جولان می‌دهند و برگ بر روی برگ تسبیح می‌گوید. اوست که ثروت می‌دهد و فقیر می‌کند و چه بسا فقر برای کسی مناسب‌تر باشد. چه بسیار ثروتمندی که غرور و شرارت او را به

بدترین شکل به خاک انداخت. قارون را بنگر که ثروت فراوان داشت اما اندکی را نبخشید (حق اموالش را ادا نکرد). به وی هشدار داده شد اما بیدار نشد و سرزنش به او سودی نرساند، آنگاه که قومش به او گفتند: {شادمانی مکن}. الله متعال را شب و روز، صبح و شام ستایش می‌کنم و گواهی می‌دهم که معبودی به حق جز الله نیست، بی‌نیاز بخشنده‌ای که با عطای فراوان و گشاده‌دستی بخشش می‌کند. و گواهی می‌دهم که محمد بنده و فرستاده‌ٔ اوست، کسی که با جان و مال در راه خدا فدا کرد و حق را آشکار و روشن ساخت. درود خدا بر او و بریارش ابوبکر که در سفر و حضر همراه او بود و از او جدا نشد، و بر عمر که همواره در عزت بخشیدن به دین تلاش می‌کرد، و بر عثمان که مال بسیاری را در راه خدا انفاق کرد و اصلاح نمود، و بر علی پسر عمویش که از هر کس که در مورد او غلو کند یا به او طعنه

زند اعلان بیزاری می‌کنم و بر بقیه صحابه و پیروان نیک ایشان، سلام و درودی کامل.

برادران و خواهران من: الله متعال می‌فرماید: **وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا**

اللَّهِ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ حُنَفَاءَ وَيُقِيمُوا الصَّلَاةَ وَيُؤْتُوا الزَّكَاةَ وَذَلِكَ دِينُ

الْقِيَمَةِ {بینه: ۵} (و آنان فرمان نیافتند جز اینکه الله را عبادت کنند در

حالی که دین [خود] را برای او خالص گردانند [و از شرک و عبادت

معبودان باطل،] به توحید روی آورند؛ و نماز برپا دارند و زکات

بپردازند؛ و این است آیین راستین و مستقیم). و می‌فرماید: **وَأَقِيمُوا**

الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَأَقْرِضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا وَمَا تُقَدِّمُوا لِأَنْفُسِكُمْ مِّنْ

خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ هُوَ خَيْرٌ وَأَعْظَمَ أَجْرًا وَاسْتَغْفِرُوا اللَّهَ {المزمل:

۲۰} (و نماز برپا دارید و زکات دهید و به الله قرض نیکو دهید؛ و

[بدانید که] آنچه از کارهای خیرپیشاپیش برای خود می‌فرستید، [آن

را] نزد الله به بهترین وجه و بزرگ‌ترین پاداش خواهید یافت؛ و از الله

آمرزش بخواهید). و می‌فرماید: **{وَمَا آتَيْتُمْ مِّن رَّبًّا لِّيَرْبُو فِي أَمْوَالِ النَّاسِ فَلَا يَرْبُو عِنْدَ اللَّهِ وَمَا آتَيْتُمْ مِّن زَكَاةٍ تُرِيدُونَ وَجْهَ اللَّهِ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُضْعِفُونَ}** [الروم: ۳۹] (آنچه از اموال [خود، که به قصد] ربا به مردم می‌دهید تا [با پس گرفتن] آن به میزان بیشتری بر اموالتان] افزوده گردد، نزد الله افزایش نمی‌یابد و [لی] آنچه برای خشنودی الله [به عنوان] زکات می‌پردازید، [برکت و افزایش می‌یابد] و [کسانی که چنین می‌کنند] اینانند که پاداششان [نزد الله] چند برابر می‌گردد). و آیات پیرامون وجوب زکات و فرض بودنش بسیار است.

از جمله احادیث نیز روایتی است در صحیح مسلم از عبدالله بن عمر رضی الله عنهما از پیامبر صلی الله علیه وسلم که فرمود: **«اسلام بر پنج پایه بنا شده است: اینکه خداوند یکتا شمرده شود، و برپا داشتن نماز، و پرداخت زکات، و روزه ماه رمضان، و حج»**. پس مردی گفت: (آیا ترتیب [حج و روزه رمضان [این گونه است]؟ ابن عمر فرمود: نه، [بلکه]

روزهٔ رمضان و حج. من این‌گونه از رسول خدا صلی الله علیه وسلم شنیدم. و در روایتی دیگر آمده: «شهادت به اینکه معبودی [به حق] جز الله نیست و محمد رسول خداست». حدیث به همین معناست!

زکات از ارکان اسلام و بنیان‌های بزرگ آن است و همراه نماز در جاهای متعددی از قرآن آمده است. مسلمانان بر وجوب آن اجماع قطعی دارند و هر کس با وجود علم به این مساله وجوبش را انکار کند، کافرو خارج از اسلام است، و هر کس در پرداخت آن بخل ورزد یا چیزی از آن را کم کند، از ستمکارانی است که در معرض مجازات و عذاب قرار دارد.

زکات در چهار چیز واجب می‌شود:

۱- تخریج آن گذشت.

اول: محصولات زراعی از جمله غلات و ثمرات به دلیل فرموده خداوند متعال: **{يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَنْفِقُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا كَسَبْتُمْ وَمِمَّا أَخْرَجْنَا لَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ}** [البقرة: ۲۶۷] ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از چیزهای پاکیزه‌ای که به دست آورده‌اید و از آنچه از زمین برای شما برآورده‌ایم، انفاق کنید). و فرموده ایشان: **{وَأَتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ}** [انعام: ۱۴۱] (و روز چیدنش، حق [زکات بینوایان از] آن را بپردازید). زکات بزرگترین حق موجود در مال است. و پیامبر صلی الله علیه وسلم فرموده است: «در آنچه آسمان آبیاری کرده یا به صورت دیمی بوده یک‌دهم [زکات واجب است]، و در آنچه با آبیاری سیراب می‌شود، یک بیستم [زکات واجب است]». این روایت را بخاری نقل کرده است.^۱

۱- به روایت بخاری: کتاب الزکاة، باب العشر فیما یسقی من ماء السماء (۱۴۸۳)، از ابن عمر رضی الله عنهما.

و زکات در محصول واجب نمی‌شود مگر آنکه به حد نصاب برسد که پنج وَسَق است؛ زیرا پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: «در هیچ دانه و میوه‌ای زکات نیست تا آنکه به پنج وَسَق برسد». به روایت مسلم.^۱

با صاع پیامبر صلی الله علیه وسلم هر وَسَق شصت صاع است. پس نصاب، سیصد صاع به پیمانه پیامبر صلی الله علیه وسلم می‌باشد که وزن آن با گندم مرغوب به دو هزار و چهل گرم؛ یعنی دو کیلو و دو پنجاهم کیلوگرم (دو کیلو و چهل گرم) است. بنابراین وزن نصاب با گندم مرغوب، ششصد و دوازده کیلوگرم می‌شود و در کمتر از آن زکاتی نیست.

۱- به روایت مسلم: کتاب الزکاة (۹۷۹)، از ابو سعید خدری رضی الله عنه.

و میزان زکات واجب در محصولاتى که بدون زحمت و هزینه (با آب باران) آبیاری می‌شوند، یک‌دهم کامل است، و در آنچه با زحمت و هزینه آبیاری می‌شود، یک بیستم است. در میوه‌ها و سبزیجات و خربزه و مانند آن‌ها زکات واجب نیست؛ زیرا عمر رضی الله عنه فرمود: «در سبزیجات زکاتی نیست»^۱ و همچنین علی رضی الله عنه نیز فرمود: «در سیب و مانند آن زکاتی نیست»^۲. زیرا این‌ها دانه یا خرما نیستند، اما اگر آن‌ها را به درهم بفروشد و یک سال بر قیمت آن‌ها بگذرد، زکات در آن واجب می‌شود.

دوم: چهارپایان یعنی شتر و گاو و گوسفند - گوسفند یا بز فرقی ندارد - زمانی که خودش در چراگاه چریده و برای شیردهی و زاد و ولد

۱- کتاب «الخراج» تألیف یحیی بن آدم، شماره روایت (۵۴۹) و «الأموال» ابوعبید، شماره روایت (۱۳۸۱).

۲) الأموال ابوعبید، شماره روایت (۱۳۸۲).

نگهداری شوند و به حد نصاب برسند. کمترین نصاب در شترپنج، در گاو سی، و در گوسفند چهل رأس است.

اینکه خودش بچرد یعنی آنهایی هستند که بدون دخالت انسان از علوفه‌های طبیعی در تمام یا بیشتر سال تغذیه می‌کنند. پس اگر دام‌ها چنین نباشند زکاتی در آن‌ها نیست، مگر آنکه برای تجارت باشند. اگر دام برای کسب درآمد از طریق خرید و فروش و معامله نگهداری شوند، کالای تجاری محسوب می‌شوند و زکات تجارت بر آن‌ها واجب است؛ خواه چرنده باشند یا علوفه‌خوار؛ و خواه به تنهایی به حد نصاب برسند یا با افزودن به دیگر اموال تجاری‌اش به حد نصاب برسند.

سوم: طلا و نقره در هر حالت زکات دارند، چراکه خداوند متعال فرمودند: **وَالَّذِينَ يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يَنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ * يَوْمَ يُحْمَىٰ عَلَيْهَا فِي نَارِ جَهَنَّمَ فَتُكْوَىٰ بِهَا**

جَبَاهُهُمْ وَجُنُوبُهُمْ وَظُهُورُهُمْ هَذَا مَا كَرَزْتُمْ لِأَنفُسِكُمْ فَذُوقُوا مَا كُنْتُمْ

تَكْزُرُونَ [التوبة: ۳۴-۳۵] (و کسانی که زرو سیم می اندوزند و آن را در

راه الله انفاق نمی کنند، آنان را به عذابی دردناک بشارت بده. روزی که

آن [گنجینه ها] را در آتش دوزخ سرخ کنند و پیشانی و پهلوی پشتشان

را با آن داغ نهند [و بگویند:] این است آنچه برای خویش

می اندوختید؛ پس بچشید آنچه را که می اندوختید).

منظور از مال اندوزی، عدم انفاق آن در راه خداست، و بزرگ ترین

انفاق در راه خدا پرداخت زکات آن است.

در صحیح مسلم از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده که پیامبر صلی

الله علیه وسلم فرمودند: «هیچ صاحب طلا و نقره ای نیست که حق

آن را ادا نکند، مگر آنکه چون روز قیامت فرا رسد، صفحه هایی از آتش

برایش گداخته شود و در آتش جهنم با آن ها تافته گردد و پهلوی و

پیشانی و پشتش با آن داغ زده شود؛ هر بار که سرد شود دوباره

برایش آماده گردد، در روزی که مقدارش پنجاه هزار سال است، تا

آنگاه که میان بندگان داوری شود»^۱.

و منظور از حق آن، چنانکه در روایت دوم^۲ تفسیر می‌کند زکاتش است

«هیچ صاحب گنجی نیست که زکاتش را ادا نکند...» تا آخر حدیث.

و زکات در طلا و نقره واجب است؛ خواه سکه باشد یا طلای خام یا

زیورآلاتی که استفاده یا عاریه داده شود یا غیر آن؛ زیرا دلایل وجوب

زکات طلا و نقره عام و کلی و بدون تفصیل هستند. از عبدالله بن عمرو

بن عاص رضی الله عنهما روایت شده که زنی همراه با دخترش نزد

پیامبر صلی الله علیه وسلم آمد در حالی که دخترش دو انگوی

ضحیم به دست داشت. پیامبر صلی الله علیه وسلم به او فرمود: «آیا

۱- به روایت مسلم: کتاب الزکاة، باب إثم مانع الزکاة (۹۸۷/۲۴).

۲ (منظور نزد خود امام مسلم است). (نویسنده). روایت مسلم: کتاب الزکاة، باب

إثم مانع الزکاة (۹۸۷/۲۶).

زکات این را می‌پردازی؟ زن گفت: خیر. پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: **«آیا دوست داری که خداوند در روز قیامت به جای آن دو، دو دستبند از آتش بر تو بیوشاند؟»** راوی گفت: پس زن آن‌ها را درآورد و به پیامبر صلی الله علیه وسلم داد و گفت: «این‌ها از آن خدا و رسولش است». این حدیث را احمد و ابوداود و نسائی و ترمذی^۱ روایت کرده‌اند. ابن حجر در بلوغ المرام می‌گوید: سند آن قوی است.

و از عایشه رضی الله عنها روایت شده که گفت: رسول خدا صلی الله علیه وسلم بر من وارد شد و در دستانم انگشترهایی از نقره دید. فرمود: «این‌ها چیست؟» گفتم: ای رسول خدا، آن‌ها را ساختم تا خود را برای تو بیارایم. فرمود: **«آیا زکات آن‌ها را می‌پردازی؟»** گفتم: نه،

۱- به روایت احمد (۱۸۷ / ۲)، و ابوداود: کتاب الزکاة، باب الكنز ما هو وزکاة الحلی (۱۵۶۳)، و ترمذی: کتاب الزکاة، باب ما جاء فی زکاة الحلی (۶۳۷)، و نسائی: کتاب الزکاة، باب زکاة الحلی (۲۴۷۹).

یا آنچه خدا بخواهد. فرمود: «همین برای آتش دوزخ تو کافی است». این حدیث را ابوداود و بیهقی و حاکم روایت کرده و آن را صحیح دانسته و گفته است: «بر شرط شیخین (بخاری و مسلم) است»^۱ و ابن حجر در کتاب التلخیص گفته است: «بر شرط صحیح است»^۲ و ابن دقیق گفته است: بر شرط مسلم است.^۳

و زکات جز با رسیدن به حد نصاب که بیست دینار است در طلا واجب نمی‌شود؛ زیرا پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم درباره طلا فرمود: «بر

۱- روایت ابوداود: کتاب الزکاة، باب الكنز ما هو وزکاة الحلی (۱۵۶۷) و حاکم (۱/۱)

۳۸۹-۳۹۰) و بیهقی (۴/۱۳۹).

۲- التلخیص الحبیر (۲/۳۹۰).

۳- نگا: زیلعی، نصب الرأیة (۲/۳۷۱).

تو چیزی واجب نیست تا آنکه بیست دینار داشته باشی». این را ابوداود^۱ نقل کرده است.

و منظور از دینار، دینار اسلامی است که وزن آن به یک مثقال می‌رسد، و هر مثقال چهار گرم و ربع است. پس نصاب طلا هشتاد و پنج گرم، معادل یازده و سه چهارم جُنیه سعودی است.^۲

۱- در سند آن ضعف هست، اما شواهدی دارد که آن را به درجه حسن ارتقا می‌دهد و لذا قابل استناد است و بیشتر اهل علم به آن استناد کرده‌اند. (نویسنده). به روایت ابوداود: کتاب الزکاة، باب زکاة السائمة (۱۵۷۳) از علی رضی الله عنه.

۲- برخی زرگرها به ما گفته‌اند که چهار گرم و ربع معادل یک مثقال است، و بر این اساس نصاب طلا هشتاد و پنج گرم می‌شود. هر جُنیه سعودی نیز هشت گرم است. بنابراین نصاب ده و پنج هشتم جُنیه می‌شود. (نویسنده).

و زکات در نقره با رسیدن به حد نصاب که پنج اوقیه است، واجب می‌شود؛ زیرا پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: «در کمتر از پنج اوقیه زکاتی نیست». متفق علیه.^۱

و هر اوقیه چهل درهم اسلامی است، پس نصاب دویست درهم اسلامی می‌شود. هر درهم هفت دهم مثقال است که در مجموع به صد و چهل مثقال یعنی پانصد و نود و پنج گرم است که معادل پنجاه و شش ریال عربی نقره است.

میزان زکات در طلا و نقره تنها یک چهلم (۲.۵ درصد) است.

همچنین اسکناس نیز شامل زکات است؛ زیرا جایگزین نقره است و نقش آن را ایفا می‌کند. پس هرگاه به نصاب نقره برسد، زکات در آن

۱- به روایت بخاری، کتاب الزکاة، باب ما أدى زکاته فلیس بکنز (۱۴۰۵) و مسلم: کتاب الزکاة (۹۷۹)، از ابوسعید خدری رضی الله عنه.

واجب می‌شود. زکات طلا و نقره و اوراق نقدی خواه نزد شخص موجود باشند یا به عنوان طلب نزد مردم باشند واجب است. بر این اساس، زکات در طلب‌های ثابت شده هنگامی که طلب نزد شخص توانگری باشد، خواه قرض باشد یا بهای فروش یا اجاره یا غیر آن واجب است. بدین صورت که طلبکار زکات آن را همراه با مال خود هر سال پرداخت می‌کند یا زکات آن را به تأخیر می‌اندازد تا مال خود را دریافت کند سپس به ازای تمام سال‌های گذشته زکاتش را می‌پردازد. اما اگر طلب نزد فرد تنگدستی باشد یا پس گرفتن آن با دشواری همراه باشد، تا آن را دریافت نکند زکات ندارد، سپس برای یک سال، یعنی سال دریافت، زکاتش را می‌پردازد و برای سال‌های پیش از آن زکاتی بر او واجب نیست.

در دیگر معادن به جز طلا و نقره زکات واجب نیست، اگرچه گران بهاتر باشند، مگر در صورتیکه برای تجارت باشند که در این حالت زکات تجارت پرداخت می‌شود.

چهارم: کالاهای تجاری از مواردی هستند که زکات در آنها واجب است. مقصود از کالای تجاری هر چیزی است که برای کسب درآمد و تجارت استفاده می‌شود، از قبیل املاک و حیوانات و خوراک و نوشیدنی و خودروها و انواع مختلف اموال. در پایان هر سال آنها را به قیمت روز ارزیابی کرده و یک چهارم (۲.۵ درصد) ارزش آنها را به عنوان زکات پرداخت می‌کند؛ خواه ارزش آنها به اندازه قیمتی باشد که با آن خریداری کرده یا کمتری بیشتر.

بر صاحبان مغازه‌ها و دستگاه‌ها و قطعات یدکی و دیگر موارد لازم است که این اموال را به طور دقیق از کوچک و بزرگ شمارش کنند و زکات آن پرداخت نمایند. چنانچه این کار برایشان دشوار است،

احتیاط کرده و طوری زکات را پرداخت کنند که دینی بر گردن ایشان نباشد.

آنچه انسان برای نیازهای شخصی خود از قبیل خوراک و نوشیدنی و فرش و مسکن و حیوانات و خودرو و لباس‌ها به جز زیورآلات طلا و نقره آماده کرده است، زکات ندارد. زیرا پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: «**بر مسلمان در برده و اسبش زکاتی نیست**». متفق علیه.^۱

املاک و خودروها و مواردی که برای اجاره دادن است، زکات ندارد، بلکه اگر درآمد اجاره آن‌ها به صورت پول بوده و یک سال بر آن بگذرد

۱- به روایت بخاری: کتاب الزکاة، باب لیس علی المسلم فی عبده صدقة (۱۴۶۴) و مسلم: کتاب الزکاة، باب لا زکاة علی المسلم فی عبده و فرسه (۹۸۲)، از ابوهیره رضی الله عنه.

و به تنهایی یا با افزودن آنچه از جنس آن (دیگر موارد اجاره‌ای و تجاری) است به حد نصاب برسد، زکات آن واجب است.

برادران و خواهران من: زکات اموالتان را بپردازید و با رضایت خاطر آن را ادا کنید، زیرا که این کار سود است نه زیان، و منفعت است نه ضرر. همه آنچه را که زکاتش بر شما واجب است به دقت شمارش کنید و از خداوند متعال بخواهید که آنچه را انفاق کرده‌اید بپذیرد و در آنچه برایتان باقی مانده برکت بیندازد.

والحمد لله رب العالمین، وصلى الله وسلم على نبينا محمد وعلى آله وصحبه أجمعين.



مرکز مطالعات متین

www.MatinStudies.com

t.me/MatinStudies

facebook.com/MatinStudies

Instagram.com/Matinstudies

X.com/Matinstudies